



به نام خداوند جان و خرد خرد را و جان را همی بجد اوی

کز این برتر اندیشه برگزید در اندیشه سخنه کی بجد اوی؟

خداوند نام و خداوند جای بدین آلت رای و جان و زبان

خداوند روزی ده بهنای سود آفریننده را کی توان؟

خداوند کیوان و گردان سپهر به پیش باید که خستوشی

فروزنده ماه و ناهید و مهر ز گفتار بیکار یکوشی

ز نام و نشان و گمان برتر است پرستنده باشی و جوینده راه

مکارنده بر شده بیکار است به ژرفی به فرمایش کردن مکار

به بینندگان آفریننده را توانا بود هر که دانا بود

نیشنی مرغبان دو بیننده را ز دانش دل پیر بنا بود

نیلد بدو نیز اندیشه راه از این پرده برتر سخن گاه نیست

که او برتر از نام و از جایگاه ز هستی مراندیشه را راه نیست

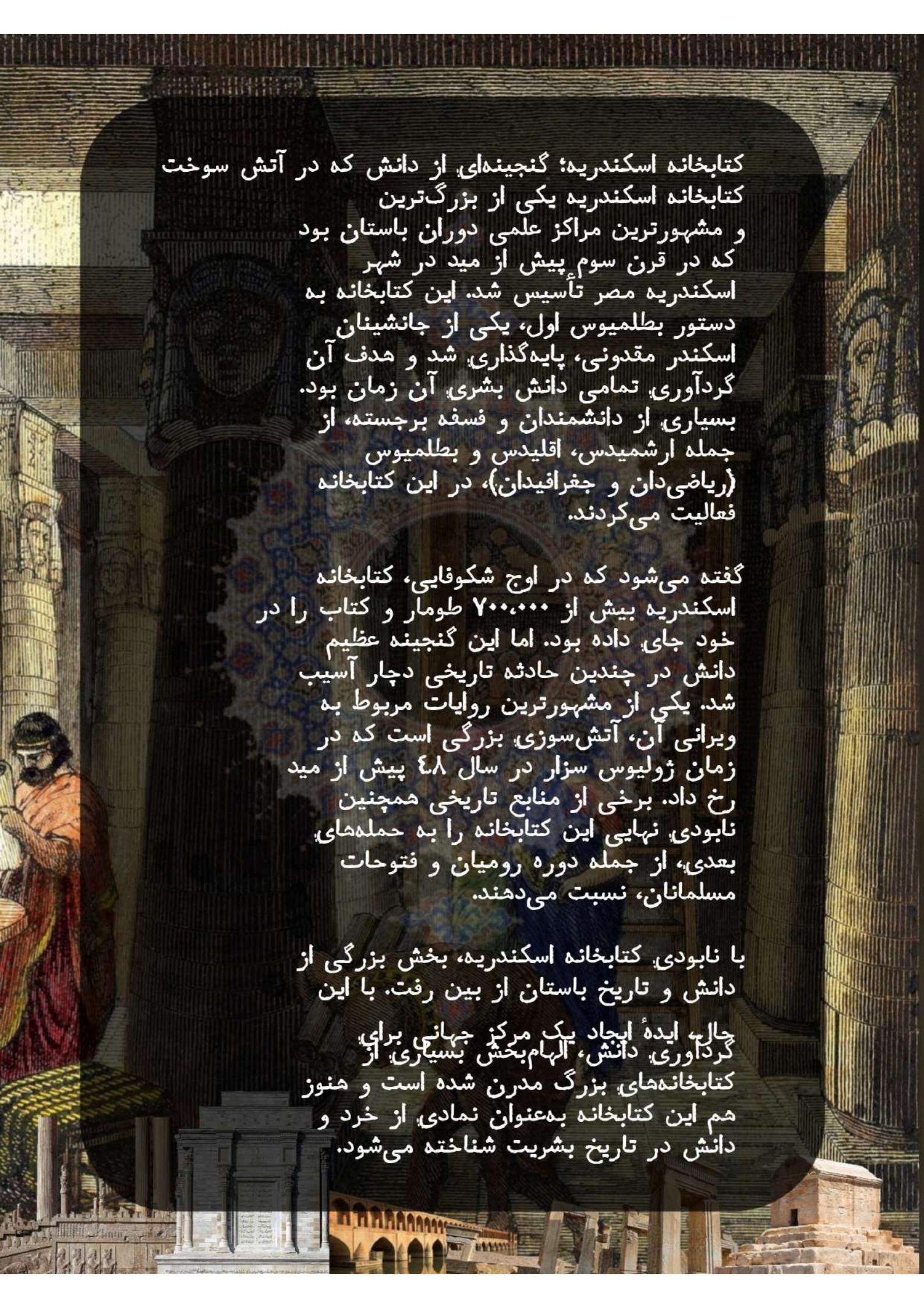
سخن هر چه زین گوهران بگذرد

نیلد بدو راه جان و خرد

خرد گر سخن برگزیند همی

جان را گزیند که میند همی





کتابخانه اسکندریه؛ گنجینه‌ای از دانش که در آتش سوخت
کتابخانه اسکندریه یکی از بزرگ‌ترین
و مشهورترین مراکز علمی دوران باستان بود
که در قرن سوم پیش از میلاد در شهر
اسکندریه مصر تأسیس شد. این کتابخانه به
دستور بطلمیوس اول، یکی از جانشینان
اسکندر مقدونی، پایه‌گذاری شد و هدف آن
گردآوری تمامی دانش بشری آن زمان بود.
بسیاری از دانشمندان و فاسف برجسته، از
جمله ارشمیدس، اقلیدس و بطلمیوس
(ریاضی‌دان و جغرافیدان)، در این کتابخانه
فعالیت می‌کردند.

گفته می‌شود که در اوج شکوفایی، کتابخانه
اسکندریه بیش از ۷۰۰,۰۰۰ طومار و کتاب را در
خود جای داده بود. اما این گنجینه عظیم
دانش در چندین حادثه تاریخی دچار آسیب
شد. یکی از مشهورترین روایات مربوط به
ویرانی آن، آتش‌سوزی بزرگی است که در
زمان ژولیوس سزار در سال ۴۸ پیش از میلاد
رخ داد. برخی از منابع تاریخی همچنین
نابودی نهایی این کتابخانه را به حمله‌های
بعدی، از جمله دوره رومیان و فتوحات
مسلمانان، نسبت می‌دهند.

با نابودی کتابخانه اسکندریه، بخش بزرگی از
دانش و تاریخ باستان از بین رفت. با این

حال، ایده ایجاد یک مرکز جهانی برای
گردآوری دانش، الهام‌بخش بسیاری از
کتابخانه‌های بزرگ مدرن شده است و هنوز
هم این کتابخانه به‌عنوان نمادی از خرد و
دانش در تاریخ بشریت شناخته می‌شود.

